



هدف اقتصاد مطلوب اسلامی

پدیدآورنده (ها) : عبداللهی، م؛ جمشیدیان، م

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: بهار ۱۳۶۶ - شماره ۱۴ (ISC)

صفحات : از ۷۴ تا ۸۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58546>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۵/۰۱/۲۰

کاربر گرامی، فایل دانلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای تامین مالی مطلوب در بازار سرمایه اسلامی از منظر اقتصاد مقاومتی
- در اقتصاد اسلامی به هدف خود نرسیدیم؛ برگزاری اولین کنگره اقتصاد اسلامی بدون کمک نخست وزیر گفت و گو بادبیر علمی مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی
- جایگاه اقتصاد مقاومتی در حکمرانی مطلوب اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای
- مدل مفهومی مطلوب امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران در منظومه اقتصاد مقاومتی
- دلالت های اقتصاد نهادگرایی جدید برای تجویز دولت مطلوب در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت
- الگوی ایرانی حمل و نقل خرد کالا و لزوم اصلاح آن، با هدف اثرگذاری بر الگوی اسلامی-ایرانی اقتصاد
- بازخوانی و نقد نظرات عدالت و تبیین الگوی مطلوب اسلامی (با تاکید بر مسئله عدالت جغرافیایی در اقتصاد اسلامی)
- دلالت های اقتصاد نهادگرایی جدید برای تجویز دولت مطلوب در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت
- راهبرد مطلوب در واگذاری اراضی دولتی در اقتصاد اسلامی: رهیافتی از نظریه بازی‌ها
- الگوی مطلوب مدیریت ریسک در حوزه واردات در گمرگ جمهوری اسلامی ایران بر اساس اقتصاد مقاومتی

هدف اقتصاد مطلوب اسلامی

۱ - مقدمه

برای روشن ساختن هدف اقتصاد مطلوب اسلامی بیان چندین موضوع ضرورت دارد. در آغاز، باید بدانیم اقتصاد اسلامی چه در خود دارد، چه می تواند به ارمغان آورد و چه ویژگیهایی باید موجود باشد تا ما را بدین مقصد برساند؟

قبل از بررسی موضوعات فوق، می بایستی چند بحث مقدماتی بیان گردد که عبارت است از پیوند هدف اقتصاد با جهان بینی، پیوند هدف اقتصاد با خودشناسی، پیوند هدف اقتصاد با ابعاد وجودی انسان و پیوند هدف اقتصاد با زندگی انسان و آفرینش او.

۲ - پیوند هدف با جهان بینی

هدف از اقتصاد چیست؟ این که در مسائل اقتصادی در پی چه مقصدی باشیم، بستگی به نوع تفکر و بینش انسان نسبت به اصل زندگی، هدف از آن و تحلیلی که در مورد انسان است، دارد. این که هدف از اقتصاد چیست، برای کسی که نگرش و تحلیل او از جهان و نظم زندگی و انسان این است که همه از هیچی و پوچی آمده و بعد هم به سوی پوچی در حرکت است و جهان را کر و کور می بیند، با کسی که برای جهان شعور و آگاهی معتقد است و آن را واحد هماهنگ می بیند، تفاوت دارد^۱.

سیستمهای اقتصادی با هدفهای گوناگون با یکدیگر تفاوت دارند و این امر، بدان علت است که در جهان بینیها و تحلیلهایی که نسبت به جهان وجود دارد، بسیار فاصله است. پس، نتیجه می گیریم بحث سیستمهای اقتصادی و هدف آنها به اعتقاد، نگرش و تحلیل انسان نسبت به اصل جهان بستگی دارد^۲.

بنابراین، چگونگی قانون و برنامه‌ریزی و سیستم‌سازی و پی‌گیری از هدف خاص بستگی به شناخت و نگرش درونی انسان دارد. و بحث در هدف اقتصاد جدای از بررسی مبانی فکری و عقیدتی و نوع شناخت امکان‌ندارد و بررسی در جهان‌بینی یک ضرورت اولیه است.

۳ - پیوند هدف اقتصاد با خودشناسی

برای مشخص شدن هدف اقتصاد باید دانست انسان کیست و اقتصاد برای چه کسی است. مسلماً اقتصاد برای انسان، کار برای انسان، بهره‌برداری از طبیعت برای انسان، تولید برای انسان، همه تلاشها برای برخورداری انسان است. هیچ مکتب و سیستمی بیان نمی‌دارد، اقتصاد و تلاشهای اقتصادی برای بشر نیست، بلکه همه برای انسان است. پس، باید روشن شود انسان کیست؟ چه تمایلاتی و چه احتیاجاتی دارد؟ آن‌گاه در پی تعقیب هدف اقتصاد بود. لذا، سه حدیث از روایاتی را که از حضرت علی (ع) نقل شده است بیان می‌کنیم: «عظیمترین آگاهیها خویشتن‌شناسی است^۳، مهم‌ترین و عظیم‌ترین نادانیها این است که انسان خود را نشناسد^۴. تعجب می‌کنم از کسی که در پی گمشده‌ای می‌گردد، درحالی که خودش را گم کرده، ولی در پی جستجوی آن نیست^۵. از این روایات، چنین الهام گرفته می‌شود که قبل از هرگونه تلاش برای شناخت امکانات طبیعت و به کار انداختن سیستمهای مختلف برای برخورداری بیشتر، لازم است در پی شناخت خویشتن بود؛ هویت و ویژگیهای خود را به دست آورد وگرنه انسان همیشه از خود بیگانه خواهد شد.

۴ - هدف اقتصاد با ابعاد وجودی انسان

این که انسان کیست و دارای چه استعدادهایی است، بحث دامنه‌داری است. اجمالاً، می‌توان گفت اگر هویت انسان مشخص شود و ابعاد وجودی بشر مورد بررسی قرار گیرد، هدف از زندگی و خلقت او هم مشخص می‌شود، زیرا ویژگیها و استعدادها نشان‌دهنده این است که او دارای چه هدفی است.

نیمههایی که از آن برمی‌خیزد، همه پاکیزه است. هوا را می‌شکافد و بالا می‌رود و پر بار و پربرکت نه در یک فصل، بلکه در طول ایام سال و ثبات و استحکام و دیگر خصوصیات آن به همان ریشه ثابت و محکم بستگی دارد و به بیان دیگر «أصلها ثابت» است.

۳ - «أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ»، فهرست غرر و در آمدی، باب معرفه النفس، ص ۳۸۷.

۴ - «أَعْظَمُ الْجَهْلِ جَهْلُ الْإِنْسَانِ أَمْرَتَيْهِ»، رک: باب الجهل، ص ۵۳.

۵ - «عَجِبْتُ لِمَنْ نَيْبَهُ ضَالَّتَهُ وَ قَدْ أَضَلَّ نَفْسَهُ فَلَا يَطْلُبُهَا»، ه.م. باب القلب، ص ۲۱۲.

با بودن سرمایه‌های وجودی انسان، مانند اراده و انتخاب، خلاقیت و ابتکار، خیرخواهی و کمال‌طلبی، حس حقیقت‌جویی و کنجکاوی و... انسان دارای اختیار است. او بر سر دوراهیها قرار می‌گیرد و یکی را انتخاب می‌کند و گاهی آنچه انتخاب می‌کند برابر هدف مشخصی که دارد، برخلاف تمایلات و خواسته‌های اوست. حس کنجکاوی بشر عامل می‌شود تا در پی حل آن دسته از مسائل علمی برآید که هیچ‌گونه نقشی در زندگی او ندارد و برای او آسایش و راحتی فراهم نمی‌سازد. از طرف دیگر، بسیاری از امکانات جهان طبیعت در اختیار انسان قرار دارد. اگر در قرآن هم نیامده بود که: «آیا نمی‌بینی خداوند آنچه را در آسمانها و زمین وجود دارد به سود شما مستخر کرده است...؟»^۶ بشر در جهان خارج، نمی‌توانست این واقعیت خارجی را منکر شود که آسمان و زمین، خورشید و ماه، کوه و دشت، حیوانات و نباتات در اختیار او قرار داده شده است و به نفع اویند و بدون تردید، این اختصاص و محور قرار گرفتن انسان با ویژگیها و استعدادهای وجود او، و سرمایه‌های عظیمی که در این جهان بزرگتر قرار دارد، ارتباط دارد.

۵. پیوند هدف اقتصاد با زندگی انسان و آفرینش او

دقت به سرمایه‌های وجودی انسان می‌تواند نمایانگر فلسفه آفرینش باشد. ویژگیها و ابعاد وجودی بشر خود بازگوی آن است که چه هدفی را باید تعقیب کند و زندگی برای چیست؟ چندین دلیل وجود دارد که جهان ماده و زیستن مادی، هدف نهایی از آفرینش و زندگی انسان نیست.

الف - نبودن هماهنگیها میان سرمایه‌های عظیم انسان و جهان ماده، ویژگیهای انسان و مواهب عظیم او و مستخر بودن جهان طبیعت برای وی در طول سالهای زندگی دوری با خوردن و خوابیدن، رفاه بیشتر و لذت زیادتر و بالاخره غوطه‌ور شدن در ماده تناسب ندارد.

ب - برخورداری بیشتر از طبیعت هدف نهایی انسان نیست. انسان مجموعه‌ای از یک سلسله فعل و انفعالات مادی نیست. حقیقت بشر به روح و بُعد معنوی او بستگی دارد و با استدلال ثابت می‌گردد روح، محکوم قوانین مادی نمی‌باشد و بعد از مرگ می‌ماند. بنابراین، حقیقت حیات ادامه دارد و زندگی مادی و بهره‌مندی بیشتر از امکانات طبیعت نمی‌تواند هدف بشر باشد.

ج - حس کمال‌خواهی هدفی از آفرینش انسان است. انسان موجودی است کمال‌خواه و همین حس او را به حرکت وامی‌دارد تا خلاءها و کاستیهای خود را از بین ببرد و از سرمایه‌های وجودی، مانند خلاقیت و ابتکار، اراده و انتخاب و... استفاده کند. انسان در راه رسیدن به کمال

سعی می‌کند از کلیه امکانات استفاده کند، ولی به هر حد که می‌رسد خود را در حصار و محدودیت می‌بیند و احساس می‌کند که باید از آن مرحله به حرکت درآمده، مقصد خویش را در مرحله دیگری به دست آورد. فردی که کمال خود را در ثروت و پول بیشتر می‌بیند و در این راه تلاش می‌کند، به هر کجا می‌رسد احساس محدودیت می‌کند و ثروت او را آرام نمی‌سازد. و یا این که اگر رسیدن به زیباییهای طبیعت را سعادت و مقصد پندارد و در این راه کوشش کند، به آن که می‌رسد باز خود را در حصار می‌بیند. و این امر در مورد قدرت، ریاست ... و سایر خواسته‌های او نیز صادق است و این، خود، دلیل منطقی است بر این که کمالی که به طور طبیعی بشر به دنبال آن است در این جاست. جهان ماده دارای محدودیت است و او به دنبال کمال و زیبایی نامحدود است.

۶- هدف از اقتصاد مطلوب

با مطالب گذشته، بدین نتیجه می‌توان رسید که انسان موجودی است عظیم و، در زندگی، اهداف معین و به هم پیوسته دارد و هدف او از اقتصاد وسیله‌ای است برای اهداف بالاتری که در پی آن است. هدف انسان، جهان ماده نیست و او به دنبال کمالی است فراتر از ماده، یعنی کمال نهایی که قرب به خداست، که نامحدود بوده حدی و مرزی ندارد. آنچه اکنون باید گفت این است که رسیدن انسان به آن کمال و مقصد غایی، احتیاج به ابزار و وسایل دارد، و تمایلات و زندگی مادی از انسان جدا نیست و اصولاً عامل فعالیت انسان در این جهان تمایلات است و اگر این تمایلات نبود انسان کاری با این جهان نداشت.

در حقیقت، تمایلات عاملی است که انسان را بر فعالیت و تصرف در طبیعت وامی‌دارد و نیروی محرک فعالیت‌های اختیاری انسان است. اگر تمایلات در انسان نبود، او فعالیت اختیاری در طبیعت انجام نمی‌داد. اگر انسان تغذیه می‌کند به خاطر علاقه خویشتن و حب ذات است. این غریزه بشر را حرکت می‌دهد تا در پی جلب مواد غذایی برآید و فعالیت کند. اگر حس دفاع از خویشتن و علاقه به زندگی نبوده، انسان طعمه دشمن قرار می‌گرفت و مقاومتی نداشت. علاقه کودک به شیر و غذا، خویشتن دوستی است که او را در پی به دست آوردن غذا حرکت می‌دهد و عامل بقای او می‌گردد. انسان وابسته به طبیعت است، اگر بخواهد در این جهان زندگی کند به غذا، پوشاک، مسکن، و... احتیاج دارد. خوراک، پوشاک و مسکن تنها مطرح نیست، علاقه به زیباییها هم از تمایلات است. علاوه بر این بشر باید از خود در برابر دشمن دفاع کند و برای این منظور باید به وسایل مربوطه مجهز شود. بنابراین، به دنبال این نیازها مسئله تلاش و بهره‌مندی از امکانات طبیعت مطرح می‌گردد.

چون نیازهای بشر متعدد است، هر کس نمی تواند شخصاً همه خواسته های خود را برآورد. طبیعت، گاهی بدون تغییر و تحول، نیازی مانند هوا در دسترس همه قرار می دهد. اما در بسیاری موارد دیگر، بایستی روی طبیعت کار کرد و با تغییر و تحولی که روی آن انجام می پذیرد، مورد بهره برداری قرار گیرد. فرضاً چاه را باید حفر کرد، سپس با وسایلی خاص آب را بیرون آورد و از آن استفاده کرد. زمین را باید شخم زد و فعالیتهای مختلف کشاورزی روی آن انجام داد تا از آن گندم گرفت. در این حال، مسأله کار، تولید، توزیع، مبادله، مصرف، و به عبارت دیگر، اقتصاد مطرح می شود.

پس، هدف نظام اقتصاد مطلوب برآوردن نیازها و پاسخگویی به تمایلات مختلف انسان است و به عبارت دیگر، به وجود آوردن رفاه و رفع هرگونه خلاء و غنی کردن انسان هدف اقتصاد است.

۷- اقتصاد، اصالت ندارد

اگر میگوئیم هدف از نظام اقتصاد مطلوب رسیدن به نیازهای مادی و یا به وجود آوردن رفاه است، و این مقصد، هدف نهایی برای انسان نیست. با توجه به بحثهای مقدماتی روشن می شود انسان برای رسیدن به کمال زندگی می کند و اقتصاد و رفاه باید در این مسیر قرار گیرد. بنابراین، زمانی که هدف اقتصاد را بیان می کنیم الزاماً نباید اضافه کنیم با حفظ ارزشهای اخلاقی، زیرا اصولاً هویت اقتصاد مطلوب بر این اساس است. به بیانی دیگر، رسیدن به رفاه خود وسیله ای برای امکان حرکت به طرف کمال است. بنابراین، وقتی اقتصاد اصالت نداشت و خود مقدمه ای برای هدف والاتری بود، هرکجا کوچکترین اصطکاک با هدف نهایی پدید آید، کنار زده می شود و لذا، پیش برد ترتیب منطقی سیستم اقتصاد مطلوب به محدودیتهای مختلف برخورد خواهد کرد. محدودیت در کمیت و کیفیت تولید، محدودیت در کمیت و کیفیت توزیع و همچنین محدودیت در کمیت و کیفیت در مصرف و محدودیتهای دیگر...

نکته دیگری که مطرح است این که آیا رفع نیاز و به وجود آوردن رفاه و بهره مندی از امکانات طبیعت، که هدف اقتصاد مطلوب است، آیا حدی هم دارد یا نه؟ این مطلب در قسمت هدف از نظام اقتصادی اسلام بیان می شود.

۸- هدف از نظام اقتصادی اسلام

همان گونه که، نخست، برای ترسیم نظام اقتصاد مطلوب بیانی مقدماتی لازم بود، در این جا نیز پیش از ارائه هدف در نظام اقتصاد اسلامی، لازم است دیدگاه اسلام در مورد دنیا و نیز هدف از

آفرینش بیان شود تا، با بیان این دو موضوع، موقع اقتصاد اسلامی و این که اقتصاد در اسلام چه هدفی را دنبال می‌کند روشن گردد.

۹ - دنیا از دیدگاه اسلام

در اسلام، در مورد زندگی و دنیا مسائل بسیاری آمده است که، به طور فشرده، آیات و روایات دربارهٔ هویت و حقیقت زندگی را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد.

الف. آیات و روایاتی که بیانگر جهتها و عناوینی است که نشانهٔ ذم و طرد دنیا است، مانند، «بازیچه و سرگرمی»^۷، «بهره و تمتع»^۸، «تمتعی اندک»^۹، «تمتع و بهره‌ای غرورزا»^{۱۰}، «وسیلهٔ امتحان»^{۱۱}، «وسیلهٔ فزونی طلبی و تفاخر»^{۱۲} و عناوین دیگر، که همه نشانگر تحقیر این زندگی و دنیا است.

در آیات متعددی، دنیا به روئیدنیهایی تشبیه می‌شود که با استفاده از مواد زمین و برخورداری از انرژی خورشید رشد می‌کنند، تدریجاً توان می‌گیرند، دارای برگ و گل و شکوفه می‌شوند، از طراوت و زیبایی ویژه‌ای برخوردار می‌یابند، اما پس از مدت کوتاهی تدریجاً زرد و پژمرده شده زیبایی و جمال را از دست می‌دهند، و کم کم، اثری از گل و شکوفه و برگ نمی‌ماند و باغ و بوستان محومی شود. آیاتی نیز بیانگر ناپایداری و محدودیت دنیای مادی است و این که انسان خواهی نخواهی گریبانگیر این محدودیتهاست^{۱۳}.

ب. آیات و روایاتی که به زندگی و متعلقات آن عناوینی اطلاق گردیده است که تنها نشانگر ذم و طرد نیست، بلکه علامت مطلوبیت و محبوبیت آن است، مانند، «فضل الله»^{۱۴} و همین گونه «صاحب گرامان و توانگران شما قسم نخورند که بخویشان و... چیزی ندهند»^{۱۵}. صریحاً کسانی را که از امکانات مالی برخوردار شده‌اند، صاحبان فضل قلمداد می‌کند و، در بعضی از آیات، آنان را به باد انتقاد می‌گیرد که چرا از فضل الهی ممانعت به عمل می‌آورند و دیگران را از آن برخوردار نمی‌سازند^{۱۶}.

۷ - سوره‌های محمد / ۳۶؛ انعام / ۳۲؛ عنکبوت / ۶۴؛ حدید / ۲۰.

۸ - سورهٔ رعد / ۲۶. ۹ - سورهٔ آل عمران / ۱۹۷.

۱۰ - سورهٔ آل عمران / ۱۸۵. ۱۱ - سورهٔ تقابن / ۱۵.

۱۲ - سورهٔ حدید / ۲۰. ۱۳ - سورهٔ یونس / ۲۴.

۱۴ - سوره‌های توبه / ۲۸؛ نساء / ۳۷ و... ۱۵ - سورهٔ نور / ۲۲.

۱۶ - سورهٔ بقره / ۱۸۰، ۲۷۱ و ۲۷۲؛ عادیات / ۸؛ معارج / ۲۱.

در یک سلسله از آیات، به برخوردار شدن افراد از دنیا «رحمت»^{۱۷} اطلاق گردیده است عنوان «حسنة»^{۱۸} و عناوین دیگری که در آیات و روایات آمده است، برخورداری افراد از این زندگی و نعمتهای آن، فضل و رحمت الهی است و حتی در یک سلسله از روایات، محرومیت‌های مادی و در بعضی از شرایط مجازات و عذاب قلمداد شده است.

ج - آیات و کلمات پیشوایان معصوم، که دسته اول و دوم را کاملاً توضیح می دهد، به گونه ای که تضاد بین آنها را که در مرحله بدوی به نظر می رسد رفع می سازد. در این قسمت، دقیقاً بیان شده است. دنیا در جهت آخرت بوده و مقدمه و زمینه ساز برای ابدیت است. البته، این که بیان دسته سوم می گردد، لزومی ندارد آن روایات جدای از دسته اول و دوم باشد بلکه احیاناً در همان آیه و حدیثی که دنیا طرد و ذم شده است این واقعیت نیز بیان گردیده است. «کسانی که انتظار معاد ندارند و زندگی دنیا را پسندیده و بدان آرام گرفته اند و آنانی که از آیات ما غافلند جایگاهشان بسزای اعمالی که انجام داده اند جهنم است»^{۱۹}. در این آیه، که دقیقاً جهت ذم و طرد و تحقیر اهل دنیا بیان شده است، می گوید کسانی که به لقای ما امید ندارند و به همین دنیا اکتفا کرده اند، اهل جهنم خواهند بود. پس، اگر به دنیا عنوان «بازیچه و سرگرمی»، «متاع قلیل»، «تمتعی اندک» و... گفته شده است مربوط به جمعیتی است که به دنیا قانع شده اند، و به خوراک و پوشاک و لذتهای مربوط اکتفا کرده اند و راکد شده اند یا، به عبارت دیگر، عملاً دنیا را مقدمه و گذرگاه ابدیت و جهان آخرت نمی دانند. از آیات دیگری نیز خوبی این موضوع روشن می شود.^{۲۰} روایاتی مانند «دنیا مزرعه و کشتزار آخرت است»^{۲۱} «دنیا خوب وسیله ای برای آخرت است»^{۲۲} باز می توان استفاده کرد و گفت دنیا محل تربیت و بهره برداری و تکامل است و آنچه مورد انتقاد بودن و منشأ سقوط است اسارت در برابر این زندگی و فراموش کردن مقصد اصلی است.^{۲۳}

۱۰ - هدف از آفرینش انسان از دیدگاه اسلام

قرآن در آیاتی، پوچ و لاهو بودن این جهان را نفی کرده است و نظام خلقت را «حق» قلمداد

۱۷ - سوره های هود / ۹ / اسراء / ۱۰۰ / کهف / ۸۲ و ...

۱۸ - سوره های اعراف / ۱۳۱ / توبه / ۵۰ و ... ۱۹ - سوره یونس / ۷-۸.

۲۰ - سوره نجم / ۲۹. ۲۱ - حدیث نبوی.

۲۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ابواب مقدماتها، باب ۲۶، حدیث ۳.

۲۳ - روایات و آیات بسیار زیادی در مورد دنیا هست. در کتاب موازنه ای بین دنیا و آخرت تا حدودی آیات و روایات جمع آوری شده و در کتاب سیری در نهج البلاغه از استاد مطهری در مورد دنیا از دیدگاه اسلام بحث شده است.

می‌کند و این مسأله را دلیل بر ادامه حیات و وجود جهان ابدی به حساب می‌آورد، و از طرفی، در آیات دیگر، غرض آفرینش را با عنوانهای زیر بیان فرموده است: «رحمت الهی»^{۲۴}، «آزمایش»^{۲۵} «علم و معرفت»^{۲۶} و «عبادت خداوند»^{۲۷}. و بعضی از این عناوین ممکن است به دیگری برگردد و برخی مقدمه است برای بعضی دیگر، مانند انتخاب و امتحان که در آیات متعددی به عنوان هدف از خلقت آمده است، اما خود مقدمه است برای عبودیت و، در هر صورت، می‌توان با دقت در آیات گفت هدف نهایی آفرینش، از نظر قرآن، همان عبادت و قرب به پروردگار است که همراه با پرورش روح و جان انسان و رشد و پرورش استعدادهای مختلف او است. عبادت، که به عنوان هدف خلقت بیان می‌شود، مراحل مختلف دارد و قابل تشکیک است و بنابراین، تنها اعمالی مانند نماز و روزه را شامل نمی‌شود، بلکه عبارت است از هر فعالیت و کاری که در جهت «الله» باشد. این به سوی او بودن، ممکن است مصداق نماز خواندن و روزه گرفتن بوده باشد و ممکن است فعالیت علمی و یا اقتصادی را دربرگیرد.



۱۱ - هدف از نظام اقتصادی اسلام

دنیا، از دیدگاه اسلام، مقدمه آخرت است. ولی در عین حال انسان در این جهان آفریده شده است تا با تلاش در آن رشد کرده و به طرف هدف عالی و نهایی خود در حرکت باشد، لذا وابستگی و اسارت در برابر این جهان برای انسان منشاء سقوط است و اصولاً هدف از آفرینش او قرب و کمال است.

همان‌طور که مقدمه بیان شد عامل بقا و حیات انسان در این جهان تمایلات و بُعد مادی اوست. انسان باید این دنیا را میدان کارزار و حرکت قرار دهد و، در این بین، غذا، مسکن، پوشاک و... لازم داشته و غرایز و میل‌های گوناگونی هم دارد و باید پاسخگوی تمایلات مختلف باشد. با توجه به این که تنها نیست و در اجتماع زندگی می‌کند، معاونت با دیگران، تولید و تهیه امکانات و توزیع و مصرف مطرح است و همه برای این است که انسان نه تنها نیازهای اولیه خود مانند مسکن، پوشاک و خوراک را باید تهیه کند، بلکه همه خواسته‌های دیگر او نیز باید فراهم شود. و لذا اقتصاد در نظام اسلامی یک ضرورت خواهد بود تا این که نعمتها و امکانات طبیعت را در اختیارش قرار دهد و با برنامه ریزی دقیق افراد را غنی سازد و به رفاه و آسایش برساند. نقل نمونه‌هایی از منابع اسلامی در این زمینه لازم بنظر می‌رسد.

۲۵ - سوره ملک / ۲.

۲۴ - سوره هود / ۱۱۹.

۲۷ - سوره ذاریات / ۵۶.

۲۶ - سوره طلاق / ۱۱.

در قرآن و روایات اسلامی، روی نعمتهای دنیوی، کار روی سرمایه‌های اولیه طبیعی و بهره‌برداری مختلف تکیه شده است و انسانها ترغیب و تشویق به احیا و تولید و بهره‌مندی از طبیعت شده‌اند. از طرفی، خداوند به بیان نعمتهای مادی این جهان پرداخته است و جهت آن را انسان مشخص فرموده است. نعمت خورشید و ماه و ستارگان، شب و روز، نزول باران، روئیدنیها و درختان مختلف، حیوانات گوناگون و... بیان شده و با کلمه «لکم»، «اینها برای شماست» جهت این نعمتها نیز تبیین گردیده است. به پاره‌ای از آیات و روایات در این زمینه اشاره می‌کنیم.

در مواردی به جای بیان یکایک آنها، مسأله به‌طور کلی آمده چنان که می‌خوانیم: «و اوست که هر چه در زمین هست یکسره برای شما آفرید...»^{۲۸}. و «مگر نمی‌بینید خداوند آنچه در آسمانها و زمین هست به نفع شما رام کرده و نعمتهای خویش را آشکارا و نهان بر شما کامل نموده است...»^{۲۹} در مورد حیوانات، مواد غذایی و پوشاک که از آنها به دست می‌آید می‌فرماید: «خداوند چهار پایان را آفرید درحالی که در آنها وسیله پوشش «دَف» (لباس، روی انداز، کفش)، «منافع» (شیر و ماست) داد و از گوشت آنها نیز می‌خورید»^{۳۰}. «خداوند برای شما از پوست چهار پایان خانه‌هایی قرار داد (خیمه‌های چرمی و...) علاوه بر آن از پشمها و کرکها و موهای این چهار پایان برای شما قرار داد»^{۳۱}. در همین سوره، به مسأله مسکن اشاره کرده خانه را وسیله‌ای برای آرامش بیان می‌دارد: «خداوند برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت قرار داد و نیز به دنبال آن پوشاک برای حفظ بدن...» مطرح می‌شود: «خداوند از آنچه آفریده سایه‌هایی و از کوهها برای شما پناهگاه و پوششهایی آفریده است که شما را از گرما حفظ کند و پیراهنهای پرمقاومت که شما را به هنگام جنگ نگاهدارد»^{۳۲}. نزول باران، رشد نعمتها و باغ و درخت کشاورزی از نعمتهای دیگری است که در قرآن برای انسان مطرح است.

تنها مسأله مسکن، پوشاک و انواع خوردنیها نیست، در قرآن، اساساً به راحتی و رفاه انسان هم توجه شده است. در دنباله فواید حیوانات آمده است: از دیگر فواید چهار پایان این که «بارهای سنگین شما را بر دوش خود حمل می‌کنند و به سوی شهری می‌برند که جز با مشقت زیاد به آن نمی‌رسند...»^{۳۳}.

در آیه فوق، در خلقت چهار پایان روی زحمت و رنج تکیه شده که آنها این مشقت و رنج را از دوش شما برمی‌دارند: «خداوند حیوانات را برای شما آفرید تا بر آن سوار شوید و از آن بخورید... و

۲۹ - سوره لقمان/ ۲۰.

۲۸ - سوره بقره/ ۲۹.

۳۱ - همان/ ۸۰.

۳۰ - سوره نحل/ ۵.

۳۳ - همان/ ۷.

۳۲ - همان/ ۸۱.

شما را در آن منفعت‌هایی است و با سوار شدن بر آن به مقصد مورد نظرتان می‌رسید»^{۳۴}.

حسن زیبایی گرایی هم در انسان وجود دارد. نمی‌توان گفت خوراک و پوشاک و مسکن که تأمین گردید دیگر نیازی نیست و کیفیت و چگونگی لباس و ذوق افراد در چگونگی لباس نباید مطرح باشد و به هر کیفیتی بدن پوشیده شد و به هر صورتی پناهگاه برای خوابیدن آماده گردید دیگر چیزی لازم نیست. قرآن، به صورت یک قانون ابدی، می‌گوید، «بگو چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگانش آفریده و نیز روزیهای پاکیزه را، تحریم کرده است؟ این نعمتها برای مؤمنان در این زندگی آفریده شده، اگر چه دیگران نیز استفاده می‌کنند اما در روز قیامت که خطها و صفها از هم مشخص می‌شوند فقط در اختیار مؤمنان قرار می‌گیرد»^{۳۵}.

در پی سخن از حیوانات و منافع آنها گفته می‌شود: «و در این حیوانات، برای شما زینت و جمال ویژه‌ای است هنگامی که به استراحتگاه بازمی‌گردند و هنگامی که آنها را صبحگاه به دشت و صحرا می‌فرستید»^{۳۶}. «و لکم جمال» نمایانگر این است که به تمایلات مختلف انسان توجه شده است و باید به همه پاسخ صحیح داده شود. این جاست که در اسلام مسأله هنر، صنایع ظریف، زیباییهای ادبی مطرح می‌شود و در روایات اسلامی در روابط اجتماعی روی لباس متناسب، استفاده از انواع عطریات، خودآرایی و... تکیه شده است^{۳۷}. چنان که در سیره پیامبر می‌خوانیم: «پیامبر اکرم (ص) برابر آینه قرار می‌گرفت و خود را در آن می‌دید، محل اجتماع موی خود را صاف و شانه می‌کرد» و «در مسافرتها نیز هیچ وقت شیشه روغن، سرمه دان، قیچی، آینه، مسواک، شانه، از پیامبر جدا نمی‌شد»^{۳۸}. از قرآن نیز استفاده می‌شود که اصولاً آسایش و راحتی نیز مورد توجه کامل است^{۳۹}. طبیعی است که خوراک، انواع پوشاک، جایگاه استراحت و مسکن که قرآن وسیله آرامش قلمداد می‌کند و انواع تولیدات صنعتی و کشاورزی که آماده نیست، بایستی تا نیروها با معاونت یکدیگر بسیج شوند و این امکانات و مواهب طبیعت را با کارهای مختلف به مرحله فعلیت رسانده و آماده بهره‌مندی سازند. لذا در معارف اسلامی چه بسیار مقررات و توصیه‌ها در استعمار زمین (آبادی) و توسعه دآمداری، کشاورزی، کارخانه‌ها و... مطرح است. در قرآن می‌خوانیم «... او شما را از زمین پدید آورد و آباد کردن آن را به شما سپرده است...»^{۴۰} از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «بر شماست که به پرورش گوسفند (دامداری) و زراعت

۳۵ - سورة اعراف / ۳۲.

۳۴ - سورة مؤمنون / ۷۹ - ۸۰.

۳۷ - علامه مجلسی: بحار الانوار، ج ۱۶، باب ۹ صص، ۲۲۷ - ۲۴۹.

۳۶ - سورة نمل / ۹.

۳۹ - سورة نحل / ۸۰.

۳۸ - همان، ص ۲۵.

۴۰ - سورة هود / ۶۱.

(کشاورزی) پردازید که رفت و آمد هر دو خیر و برکت است»^{۴۱}. و نیز از حضرت علی (ع) نقل گردیده است که: «هر کس آب و خاک در اختیار داشته باشد و در عین حال فقیر گردد خداوند او را از رحمت خود دور می‌سازد»^{۴۲} از پیامبر (ص) است که، «گوسفند سرمایه خوبی است»^{۴۳}. بنابراین، می‌توان گفت، هدف در نظام اقتصاد اسلامی عبارت از برآورده شدن نیازهای مختلف انسان است. یا، به عبارت دیگر، به وجود آوردن خوراک، پوشاک، مسکن، وسایل رفاه و آسایش و پاسخ به تمایلات مادی بشر است. با توجه به این که این، خود، هدف نهایی نیست بلکه وسیله‌ای است برای هدف عالیتری.

۱۲ - آیا رفاه و راحتی نامحدود هدف است؟

اگر می‌گوییم در اقتصاد مطلوب و یا در نظام اقتصادی اسلام، رفاه و غنی هدف است آیا حداکثر غنی و رفاه منظور است؟ و این هدف، مطلق و نامحدود است یا نه؟ در این جا چند نظر مطرح است:

۱. شیوه اقتصادی اسلام در هدف اقتصادی خود حد و مرز ندارد و منافع طبیعی و نعمتهای خداوند برای راحتی و رفاه انسان است. پس، آهنگ نظام اقتصادی باید به گونه‌ای باشد تا هر چه بیشتر این امکانات را در اختیار بشر قرار دهد و حداکثر تولید و فعالیتهای دیگر اقتصادی را برای بیشترین آسایش و غنی فراهم سازد، به شرطی که با ارزشهای عالی‌تر اسلامی تضاد نداشته باشد.
۲. نظام اقتصادی اسلامی در پی پاسخگویی به عموم تمایلات و غنی ساختن افراد است و باید به خواسته‌های انسان حتی تجمل‌طلبی و زیباگرایی او جواب مناسب داده شود. بعضی از نعمتها برای این بوده است تا «رحمت و رنج» را در بعضی از شرایط از دوش بشر برطرف سازد. طبعاً می‌بایست امکانات طبیعت، و به دنبال آن فعالیتها و روابط اقتصادی، به وجود آید و در راه، این هدف بسیج گردد. ولی، از طرفی، این هدف اقتصادی و فعالیتها و روابط مربوط در راه هدف عالیتری قرار می‌گیرد و اصولاً ارزش خود را از همان هدف که در جهان بینی مطرح می‌شود، کسب می‌کند و خود هیچ گونه اصلاتی ندارد.
۳. روش اقتصادی اسلام وسیله‌ای است برای هدف عالیتر. در اسلام، یک سلسله قوانین و مقرراتی وجود دارد که نظام اقتصادی آن را تشکیل می‌دهد. این روش، به عنوان نظام اقتصادی، یک هدف اقتصادی را دنبال می‌کند و آن هدف اقتصادی، خود، مقدمه‌ای برای هدف دیگرگی

۴۱ - بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۴. ۴۲ - همان، ص ۳۴.

۴۳ - روایات زیادی در این زمینه در جلد سیزدهم وسائل نیز آمده است.

است و در مقام ارزش دادن به فعل اقتصادی باید آن هدف بالاتر را در نظر گرفت. باغبان، به درختان باغ می پردازد و هدف او رشد کردن درخت است، ولی رشد کردن درخت هدف اصلی نیست، بلکه هدف اصلی میوه دادن درخت است. اگر رشد کردن درخت با میوه دادن برخورد داشت، باغبان شاخه و برگهای زیادی را می زند تا بارورتر گردد. در این مرحله، هیچ نظری جز رشد کردن درخت ندارد، اما رشد مقدماتی است برای هدف دیگر که، با توجه به آن هدف بالاتر، این هدف پایین تر محدود می شود:

بنابراین، نظام اقتصادی اسلام از آن جهت که شیوه اقتصادی است حدی را در رفاه در نظر نمی گیرد و به عنوان اقتصاد در پی به وجود آوردن رفاه بیشتر است. ولی رفاه فراوان موجب می شود تا انسان به هدف بالاتر خود نرسد، و با توجه به آن از نظر اخلاقی فعالیت اقتصادی محدود می شود، نه به عنوان نظام اقتصادی، بلکه به عنوان کسی که پای بند ارزشهای معنوی است. بنابراین، ارزشهای معنوی فعالیتهای اقتصادی را در مواردی محدود می کند.

نتیجه گیری

این که در نظام اقتصادی اسلام باید به دنبال چه هدفی بود، بستگی به نگرش انسان نسبت به اصل جهان و هدف از آفرینش و ابعاد وجودی انسان دارد. هدف محدود و نامحدود مربوط به هدف نهایی است و آنچه که اقتصاد مقدمه آن است. از طرفی، واقعیتی را که نمی توان نادیده گرفت، آن است که سیر تکاملی و حرکت به طرف هدف نهایی متوقف به تسلط و حاکمیت مطلق بر تمایلات، اراده قوی و تسلیم محض شدن در برابر فرمان خداست و، این، به تمرین نیازمند است و با راحتی و رفاه مطلق و لذت‌های بی حد و مرز و «حداکثر» نمی سازد. انسانی که تکاملش بر اساس اراده و انتخاب است باید سر دوراهیها قرار گیرد و با توجه به هدف نهایی، انتخابگر باشد و طبیعی است، در بسیاری از موارد، این انتخاب برخلاف تمایلات خواهد بود. اصولاً وجود عبادتی مثل روزه، نشانگر عمومی بودن این قانون است. روزه و محدودیت در استفاده از نعمتهای الهی در زمانی معین برای حصول روح و تقوی نشان دهنده آن است که این چنین نیست که هر چه برای بشر رفاه و لذت و نعمت بیشتر حاصل باشد، زمینه برای رشد زیادتر گردد. لذت و رفاه نامحدود به طور طبیعی و معمول با ارزشهای بالاتر تضاد دارد و بستگی و اسارت می آفریند و رکود و وابستگی با رهایی و حرکت و آزادی تناسب ندارد. انسان این ویژگی را دارد که برداشت و برخورداری زیاد از ماده و طبیعت و تنعم او را در آنچه هنر و کمال انسان نامیده می شود ضعیفتر و زبونتر و عقیمتر می سازد و، برعکس، تا حدود معین پرهیز از برداشت و برخورداری، گوهر او را صفا می بخشد، فکر و اراده، این

دو نیروی عالی انسانی را، می‌پروراند. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که هدف اقتصاد، رفاه و به وجود آوردن امکان بهره‌مندی از نعمتهای جهان و پاسخگویی به نیازهای انسان، نه فقط خوراک و پوشاک بلکه همهٔ خواستههای بشر، حتی زیباطلبی اوست، ولی این هدف، مطلق و نامحدود نیست.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم -
- ۲- العاملی، شیخ محمد بن الحسن الحر، وسائل الشیعه، الطبعة الرابعة، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱.
- ۳- گروهی از فضلا و اساتید، موازنه ای اسلامی بین دنیا و آخرت، مؤسسه در راه حق، قم، بدون تاریخ.
- ۴- مجلسی، علامه، بحار الانوار، المکتبة الاسلامیه، تهران، بدون تاریخ.
- ۵- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، دارالتبلیغ اسلامی، قم، ۱۳۵۳.
- ۶- علی (ع)، نهج البلاغه، انتشارات حکمت، تهران، بدون تاریخ.

عَزَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ

عزت مؤمن در بی نیازی او از مردم است

امام جواد (ع) - بحار الانوار ۳۶۵/۷۸